

■ سمانه صادقی

انگاره‌سسازی‌های بی‌اساس از سوی ضدانقلاب داخلی و خارج، در باب چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی، آن هم ۴۲ سال پس از آن، نشان می‌دهد که این رویداد پز زگ، همچنان موجودیت و منافع آنان را مورد چالش قرار داده و طریق امیل خویش را می‌پیماید. در گفت و شنود پیش رو، مسعود رضایی تاریخ پژوه معاصر، به ارزیابی و نقد پاره‌ای از این ذهنیت پردازی‌ها پرداخته است. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

اعلام تعداد تقریبی شهدای انقلاب و میزان صحت آمارهای منتشر شده از سوی چهره‌هایی نظیر عمادالدین نطق را چطور ارزیابی می‌کنید؟

بسم الله الرحمن الرحیم. هیچ کس نمی‌تواند به صورت دقیق آمار ی راجع به شهدای انقلاب مطرح کند و آن را کاملاً صحیح بداند. آنچه که باید در خصوص انقلاب به آن توجه داشت، سیاستی بود که رژیم پهلوی دنبال می‌کرد و آن سیاست سرکوب بود. در ابتدای اعتراضات یعنی روز نوزدهم دی ۱۳۵۶ که مردم قم در اعتراض به مقاله توهین آمیزی که در روزنامه اطلاعات نوشته شده بود، دست به تظاهرات زدند، رژیم پهلوی نشان داد که سیاستش مبتنی بر سرکوب و نشان دادن مشمت آهنین است. بنابراین رژیم پهلوی با تیراندازی، تظاهرات مردم قم را سرکوب کرده، به خاک و خون کشید و فضای رعب و وحشتی را به‌وجود آورد. دلیل سرکوب مردم هم این بود که با این روش تصور می‌کردند که می‌توانند مانع ادامه تظاهرات مردمی شوند. البته این شیوه‌ای که رژیم پهلوی اجرا کرد، مبتنی بر دو تجربه نسبتاً موفق قبلی‌شان بود. تجربه اول کودتای امریکایی – انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که رژیم پهلوی با همین سیاست سرکوب و ارباب توانست دولت دکتر مصدق و قیام مردمی نهضت ملی شدن صنعت نفت را سرنگون کند و مجدداً قدرت را در دست بگیرد. تجربه دوم مربوط به سرکوب شدید مردم در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود چراکه پس از دستگیری حضرت امام(ره) در ۱۳ خرداد، مردم در اعتراض به این اقدام در ۱۵ خرداد در تهران و برخی دیگر از شهرها تظاهرات گسترده‌ای به راه‌انداختند اما این تظاهرات به شدت از سوی رژیم سرکوب شد و کشتار جدی انجام گرفت و آن قیام مردمی به آن موفقیتی که مدنظر بود، نرسید. حال برای اینکه به شدت سرکوب هم پی ببریم، می‌توانیم به آمارهایی که از کشتار آن روز منتشر شده، مراجعه کنیم و مهم‌تر از آن نگاهی به خاطرات اسدالله علم که در آن روزها نخست‌وزیر بود و مسئولیت اجرایی این سرکوب را بر عهده داشت، ببیندایم. علم در یادداشت‌های روزانه خود با الفاظ و لحن توهین آمیزی می‌نویسد: «در روز ۱۵ خرداد بی‌رحمانه و بدون ملاحظه هر گونه مسئله دیگری ما سرکوب و کشتار را در دستور کار قرار دادیم و موفق شدیم». بنابراین با توجه به این دو تجربه، رژیم پهلوی در ابتدای تظاهرات انقلابی مردم ایران در سال ۱۳۵۶، تصور می‌کرد اگر آن تجربه‌های گذشته را مجدداً تکرار کند، با همان موفقیت گذشته مواجه خواهد شد.

بنابراین از همان روز اول شروع به کشتار کرد.

امریکایی‌ها برای حفظ رژیم پهلوی چه طرح‌هایی را در دستور کار داشتند؟

آنها طرح فریب و طرح سرکوب را همزمان پیش می‌بردند. یکی از طرح‌های فریب این بود که امریکایی‌ها تلاش کردند تا نیروهای انقلابی و کسانی که احتمال داده می‌شد در دوره بعد از پیروزی انقلاب، قدرت را در دست بگیرند، از نظامیاتی را برقرار کنند. قرار بود این افراد دهنند و فضا را به گونه‌ای بسازند که موجب اخراج کامل نیروهای امریکایی و انگلیسی از ایران نشوند. انتخاب شاپور بختیار هم در همین راستا انجام گرفت. از طرفی بنا بود علاوه بر طرح فریب همزمان طرح سرسکوب را هم پیش ببرند و انقلابیون را از میان بردارند. البته تا آن حدی هم که می‌توانستند، این طرح را پیاده کردند و روزهای ۱۹ تا ۲۲ بهمن کشتار وسیعی توسطأموران رژیم در تهران و دیگر شهرها انجام گرفت، هرچند موفق نشدند به نتیجه مطلوب‌شان برسند. در واقع آنها هم خط سرکوب را پیش می‌بردند و ژنرال هایزر را به ایران اعزام کردند که طرح سرکوب را دنبال کند، هم از طرف دیگر از طریق ویلیام سولویان – سفیر وقت امریکا در ایران – و دیگر نیروهای سفارت امریکا طرح گفت‌وگوهایی دیپلماتیک و اریزنی‌های سیاسی را با برخی از نیروهای انقلابی دنبال می‌کردند.

به چه علت سیاست سرکوب در این دوران دیگر جوابگو نبود؟

به دلیل اینکه عمق خشم و آگاهی مردم ایران در این دوران، بیش از مرداد ۱۳۳۲ و خرداد ۱۳۴۲ شده بود. بنابراین بعد از اینکه در روز ۱۹ دی مردم قم سرکوب شدند، نه تنها قیام خفه نشد، بلکه اتفاقاً این اقدام نتیجه عکس داد و قیام بیش از گذشته شعله‌ور شد. بنابراین چهلم شهدای قم در تبریز گرفته شد. هرچند رژیم مجدداً همان سیاست سرکوب را به کار گرفت ولی بعد در یزد نیز چهلم شهدای تبریز گرفته شد. البته آنچه هم رژیم دست به سرکوب مردم زد ولی همچنان اعتراضات ادامه پیدا کرد و تا پیروزی انقلاب، لحظه‌ای آتش این اعتراضات فروکش نکرد. می‌خواهم بگویم فارغ از اینکه در این سرکوب‌ها تعداد دقیق شهدا و مجروحان چه تعداد است، اصل قضیه این است که سیاست قطعی رژیم پهلوی در ابتدای قیام انقلابی مردم ایران، همان سیاست سرکوب بوده است. اوج به‌کارگیری این سیاست سرکوب هم مربوط به ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ می‌شود چراکه در آن روز رژیم پهلوی دست به کشتار وسیعی زد. بنابراین سیاست سرکوب همچنان تا پیروزی انقلاب ادامه داشت و همچنان مورد حمایت حامیان اصلی شاه یعنی امریکا و انگلیس قرار داشت.

با توجه به اینکه رژیم پهلوی سیاست سرکوب را در دستور کار داشته، چه شد که امریکایی‌ها



«انگاره‌شناسی‌هایی در باب حاشیه و متن سقوط پهلوی دوم»

در گفت و شنود با مسعود رضایی

امریکا تا جایی که می‌توانست تمام قد پشت شاه ایستاد

اروپایی‌ها در کنفرانس گوادلوپ به این نتیجه رسیدند که شاه باید از کشور خارج شود؟

چون بعد از تمام این سرکوب‌ها، شاه و حامیانش به این نتیجه رسیدند که این‌گونه سیاست‌ها دیگر جواب ندهد. این طور گفته می‌شود که در روز تاسوعا و عاشورا بعد از اینکه شاه با هلی‌کوپتر تظاهرات مردم را در تهران مشاهده می‌کند و با توجه به اخباری که از جاهای دیگر به او رسیده بوده، متوجه این واقعه می‌شود که این سرکوب‌ها و کشتار‌ها نه تنها جواب نداده، بلکه برعکس خشم انقلابی مردم را بیشتر هم برانگیخته است. در نتیجه‌شاه و حامیانش در این دوران در یک حالت نسبتاً ناامیدی قرار می‌گیرند. به این ترتیب است که حامیان شاه در کنفرانس گوادلوپ به این نتیجه می‌رسند که باید محمدرضا پهلوی، ایران را ترک کند.

اما سلطنت‌طلبان ادعا می‌کنند شاه به خاطر علاقه به مردم ایران، دستت به کشتار گسترده نزد و تصمیم به خروج از کشور گرفت.

مسئله مربوط به بحث رعایت حقوق بشر در ایران یا جلوگیری از کشتار معترضان به‌خاطر علاقه شاه نمی‌شود چراکه شاه اگر نمی‌خواست مردم را بکشد که باید از ۱۹ دی دستت به کشتار نمی‌زد. در واقع در آن دوران حامیان شاه احساس کردند برخلاف آن تصور اولیه‌ای که داشتند، این سیاست جواب نمی‌دهد و باید روش دیگری را در پیش بگیرند.

بعد از کنفرانس گوادلوپ سیاست سرکوب اعتراضات و تظاهرات مردمی در ایران فروکش کرد؟

پاسخ من به این سؤال منفی است. در واقع بعد از آن هم تصمیم ششاه اراده امریکا و انگلیس همچنان سرکوب مردم ایران برای حفظ رژیم پهلوی بود.

چه دلیلی برای اثبات این مطلب دارید؟

از جمله مهم‌ترین دلایل این است که ژنرال هایزر به عنوان یک نظامی بلندیاپه و معروف امریکایی به ایران اعزام می‌شود تا از فروپاشی ارتش بعد از خروج شاه از ایران جلوگیری کند.

تلاش برای جلوگیری از فروپاشی ارتش با چه هدفی انجام گرفت؟

با این هدف که رژیم همچنان قدرت سرکوب را در



مجید مسعودیور ایمر

د

سولیوان در خاطراتش، به سه طرح کودتا اشاره کرده و می‌گوید: «در روز ۲۲ بهمن، از کاخ سفید با من تماس گرفته و درخواست شد با مسئول دفتر مستشاری نظامی امریکا در ایران، صحبت و نظر او در مورد امکان موفقیت کودتا در ایران را، به امریکا اعلام کنم. من تماس گرفتم و مسئول مستشاری گفت احتمال زیادی برای موفقیت نیست، حدود ۵ درصد امکان موفقیت است که این یعنی نزدیک به صفر!»

را اگر مطالعه کنید می‌بینید که او در آنجا به صراحت می‌گوید: «روز ۲۲ بهمن از کاخ سفید با من تماس گرفته و درخواست شد با مسئول دفتر مستشاری نظامی امریکا در ایران صحبت کنم و نظر او را در مورد امکان موفقیت کودتا در ایران به امریکا اعلام نمایم. من تماس گرفتم و مسئول مستشاری گفت که احتمال زیادی برای موفقیت نیست و حدود ۵درصد امکان موفقیت است که این یعنی نزدیک به صفر.»

بنابراین امکان موفقیت کودتا وجود نداشته پس با این وصف امریکا و غرب تا آخرین روز در تلاش بودند که دست به کشتار بزنند و این کار را هم انجام دادند. البته در حدی که می‌توانستند، نه در حدی که آرزویش را داشتند و مطلوبشان بود. یعنی در واقع در حد مقذور کشتار کردند نه در حد مطلوب.

با آنکه امریکایی‌ها اجرای کودتا را به ژنرال هایزر سپرده بودند، آیا شاه هم از اجرای کودتا در ۲۲ بهمن و کشتار وسیع مردم باخبر بود؟

بله. برنامه‌ریزی برای انجام کودتا مربوط به زمانی است که هایزر وارد ایران می‌شود. هایزر ۱۴ دی دی وارد ایران می‌شود. طبق اسناد از ۱۴ دی تا ۲۶ دی که شاه از ایران خارج می‌شود، هایزر ملاقات‌هایی با شاه دارد. بنابراین ورود هایزر به ایران با اطلاع شاه است و برنامه‌ریزی هم که می‌خواست انجام دهد با اطلاع شاه صورت می‌گیرد. بنابراین با وجود اینکه شاه در زمان اجرای طرح از ایران خارج شده بود اما از کلیت آنچه که قرار بود اتفاق بیفتد، مطلع بود. هرچند کار به دست هایزر و شاپور بختیار و فرماندهان ارشد ارتش که همگی از جمله وفاداران شخص شاه بودند، انجام گرفت.

عده‌ای معتقدند این صحبت‌ها نوعی سیاه‌نمایی برای تخریب چهره محمدرضا پهلوی از سوی امریکا و انگلیس است.

این گونه صحبت‌ها اصلاً هیچ مبنا و پایه‌ای ندارد و صرفاً یک شعار تبلیغاتی است. تمام اسناد و مدارک نشان می‌دهد که امریکا تمام‌قد پشت سر شاه ایستاده بود و کارت علی‌رغم شعارهای حقوق بشری که در دوران ریاست جمهوری‌اش می‌داد، هرگز در هیچ سخنرانی رژیم علاوه بر آن یکی از اهداف انقلاب محکوم نکرد. در دوران انقلاب محکوم نکرد. در آن دوران محکوم نکرد که از او حمایت هم کرد. عمده سفیر امریکا به همراه سفیر انگلیس چند روز یک بار به‌طور مستمر جلساتی با شاه داشتند. علاوه بر آن یکی از بلندپایه‌ترین نظامیان خود را به ایران می‌فرستد که مسائل همگی نشان‌دهنده دوستی و حمایت امریکا از شاه است. علاوه بر آن حضور کارتر در ایران در ۱۱ دی ۱۳۵۶ یک اعلام حمایت بسیار مهم و قوی از شاه بود. نطقی که کارتر در این ضیافت در حمایت از شاه می‌کند را در مورد هیچ پادشاه و رئیس‌جمهور دیگری انجام نداده است. همه این دلایل و شواهد نشان می‌دهد امریکا و انگلیس تا آخرین روز از کشتار حمایت کردند. علاوه بر آن سفیران امریکا و انگلیس آن طور که سولیوان در خاطراتش نوشته هر دو سه روز یک بار، با شاه جلسه داشتند. حالا یک عده می‌آیند شعار می‌دهند و تبلیغ می‌کنند که مثلاً امریکایی‌ها با شاه ضد بودند و زیر پای او را خالی کردند، خوب دلیل و مدرکشان چیست؟ اینها حرف‌های بی سند و مدرکی است که از طرف آنها بیان می‌شود.

شاید ادعاهای جریان سلطنت‌طلب از آنجا نشئت می‌گیرد که شاه قیمت نفت را افزایش می‌دهد و در مصاحبه‌ای می‌گوید سا دیگر به چشم آبی‌ها باج نمی‌دهیم؟

ما اگر به این واقعیت توجه کنیم که هر قدر شاه در آمد نفتی پیدا می‌کرد، این در آمد مجدداً به جیب امریکا و انگلیس برمی‌گشت و صرف خرید وسایل و تجهیزات نظامی و همچنین پرداخت وام به شرکت‌های امریکایی و انگلیسی و… می‌شد، درمی‌یابیم که امریکایی‌ها خیلی هم از این مسئله افزایش قیمت نفت متضرر نمی‌شدند. بنابراین سخن از عصبانیت آنان از این مسئله، بیشتر به بلوف می‌ماند! البته بالا رفتن قیمت نفت چالش‌هایی را در سطح اقتصاد جهانی برای آنها به‌وجود می‌آورد ولی در عین حال آنها هم می‌دادند. درست است که این افزایش قیمت نفت برای عریستان سعودی راجع به این قضایا انجام دادند ولی در نهایت امریکایی‌ها و اروپایی‌ها توانستند

عاریخ

کفت و گو ۸۸۴۹۸۴۳۷

۹ جوان

این بالا رفتن بهای نفت را در یک حدی متوقف بکنند. بنابراین این مسئله نمی‌توانست عامل دشمنی امریکایی‌ها با شاه ایران باشد. یعنی به فرض که شاه قیمت نفت را بالا برده و آنها می‌خواستند جلو این ماجرا را بگیرند، اما آیا تنها راه این است که با شاه ضدیت کنند و رژیم پهلوی، یکی از مهم‌ترین متحدان خودشان را براندازند؟ یا پایگاه بسیار مهم و استراتژیک خودشان به نام ایران را در منطقه از دست بدهند؟ این کار اصلاً عاقلانه نیست. آنها ابزارهای فشار دیگری داشتند که می‌توانستند با آنها به شاه فشار بیاورند و این کار را هم انجام دادند و به همین خاطر قیمت نفت از یک حدی بالاتر نرفت. همچنین همان طور که عرض کردم بخش عمده دلارهای نفتی که ایران و عربستان به عنوان دو صادرکننده نفت در منطقه، به‌دست می‌آوردند، مجدداً به چرخه اقتصادی امریکا به عنوان شریک اصلی و دیگر کشورهای اروپایی مثل انگلیس و فرانسه و… برمی‌گشت. بنابراین منافع این ماجرابیش از اینکه شامل حال مردم ایران و عربستان شود، شامل حال امریکا و انگلیس و شرکت‌های مختلف آنها می‌شد.

با وجود تمام برنامه‌ریزی‌ها، چه شد که کودتای امریکایی شاه در بهمن ۱۳۵۷ شکست خورد؟

یکی از دلایلش این بود که ارتش ایران گذشته از یک بخشی که سرسپرده شاه بودند، خیلی از ارتشیان از اجرای فرمان کودتا سر باز زدند. در نهایت با توجه به مقاومتی که مردم می‌کردند، امریکایی‌ها نتوانستند آن برنامه اصلی کودتا را به انجام برسانند. اما به هر حال در مجموع آنچه که عرض کردم این است که سیاست سرکوب و سیاست کشتار به عنوان کار اصلی رژیم پهلوی و امریکاراز داشت و تا آنجا که توانستند هم این کار را انجام دادند اما با همه اینها موفق نشدند جلوی پیروزی انقلاب را بگیرند.

از مذاکرات کنفرانس گوادلوپ، چه مقدار اسناد رسمی منتشر شده و چه میزان آن، محرمانه بوده و انتشار نیافته است؟

ما چون اطلاع دقیق نداریم که چه اسنادی وجود داشته که هنوز منتشر نشده، نمی‌توانیم نسبت به این قضیه صحبت کنیم. بخشی از مذاکرات گوادلوپ در قالب خاطرات منتشر شده است. حال اگر زمانی بخش‌های دیگر این مذاکرات منتشر شد ابتدا باید ارزیابی و صحت‌سنجی شود که این اسناد درست هستند یا نه.

وجود یا عدم تشکیل کنفرانس گوادلوپ آیا در سر نوشت انقلاب اسلامی تأثیر گذار بود یا خیر؟

به نظر من وجود یا عدم تشکیل کنفرانس گوادلوپ هیچ تأثیری در روند انقلاب نداشت. یعنی چه آنها در آنجا تصمیم می‌گرفتند که شاه از کشور خارج شود یا به این تصمیم می‌رسیدند که شاه از کشور خارج نشود و همین سیاست سرکوب ادامه پیدا کند، هیچ تأثیری در روند انقلاب نداشت. در واقع این تصمیمی هم که آنها گرفتند، توانست جلو سرنوشت انقلاب را بگیرد. البته الان یک وجه قضیه کنفرانس گوادلوپ توسط برخی از سیاسیون بزرگ‌نمایی می‌شود که آنها تصمیم گرفتند شاه از ایران خارج شود. همین‌ا در واقع بخشی از حقیقت را می‌گویند و این گونه القبا می‌کنند که بله آنها دیگر زیر پای شاه را خالی کردند و گفتند شاه برود و انقلاب پیروز شود. اما اصلاً و ابداً هدف آنها این نبود. بله آنها به این نتیجه رسیدند که باید دیگر کار آمدی در ارد و مهره سرخوخته است اما به این نتیجه نرسیدند که انقلاب اسلامی پیروز شود.

اتفاقاً امریکایی‌ها در کنفرانس گوادلوپ تصمیم گرفتند کاری کنند که انقلاب اسلامی پیروز نشود. یک بخش از این تصمیم هم این بود که شاه از ایران برود. بخش دیگریش این بود که بر برنامه‌ها و شیوه‌هایی که وجود داشت انسجام ارتش و دولت را در ایران حفظ کنند. تا زمانی که موج انقلاب فروپوشیند. حالا با انقلابیون و مردم خسته شوند یا سرکوب و فروپوشیند. رژیم پهلوی سر کار باشد تا بعد از اینکه موج انقلاب فرونشست، فرزند محمدرضا به عنوان یک پادشاه جوان، آزادی‌طلب و طرفدار حقوق مردم مجدداً فرزند، انجام دادند ولی نشد. حالا فرض کنید همان رژیم پهلوی را ادامه دهد. بنابراین شاه و حامیانش همه کارهایی که می‌خواستند انجام دهند را انجام دادند ولی نشد. حالا فرض کنید که این کنفرانس گوادلوپ اصلاً بر گزار نمی‌شد باز هم هیچ چیز تغییری در روند پیروزی انقلاب ایجاد نمی‌کرد. یعنی در نهایت شاه مجبور می‌شد فرار کند. همان‌طور که پدرش در شهریور ۱۳۲۰ مجبور شد، فرار کند. اگر سیاست سرکوب و سیاست فریب همچنان ادامه پیدا می‌کرد هم در نهایت هیچ کدام به نتیجه نمی‌رسیدند و انقلاب به پیروزی می‌رسید.

در خاتمه بغر ما باید تبلیغات عناصر داخلی و خارجی نسبت به صحت میزان شهدای انقلاب از چه روی صورت می‌گیرد؟

آنها در فکر تطهیر چهره رژیم پهلوی و همین‌طور تطهیر چهره امریکا هستند. معمولاً کسانی که به دنبال این گونه قضایا راه می‌افتند و این‌طور حدس و گمان‌ها را مطرح می‌کنند، حتماً در این اندیشه هستند که به اصطلاح چهره آزادی‌خواه و حقوق بشری از امریکا بسازند و ذیل آن چهره شاه و رژیم پهلوی را هم تطهیر بکنند. این هدف کلی هستت که اینها دارند و طبیعتاً در سایه چنین حر کتی هم می‌خواهند تاریخ انقلاب را هم زیر سؤال قرار دهند و اتهاماتی را به انقلاب اسلامی وارد کنند.

محمدرضا پهلوی در کنار جمعی از کارکن سفیر امریکا